

واکنش نسبت به بیانات اعلیحضرت در مصاحبه آسوشیتد پرس

امیرفیض- حقوقدان

هستیم بر آن عهد که بستیم

در جریان تنظیم قسمت دوم نقد مصاحبه اعلیحضرت با آسوشیتد پرس،- بیانیه ای از سوی رئیس شورای تجزیه طلبان قرائت شد که اولویت توجه به آن اجازه میدهد مقدم بر ادامه نقد مصاحبه آسوشیتد پرس به آن بیانیه پرداخته شود بیانیه مزبور که زیر شعار <هستیم بر آن عهد که بستیم> و علامت شورای ملی ایران بصورت صدا (ویدئو همراه ندارد) منتشر شده حاوی تصدیق نگران کننده ای است که در قسمت اول نقد مصاحبه آسوشیتد پرس بازگوشده بود که عینا به اینجا آورده میشود:

نخستین برداشت، تفاوت آشکار مفهومی این مصاحبه با مصاحبه های سابق وحتى موضع سیاسی شناخته شده اعلیحضرت است که در نگاه سالم و ابتدائی، این نسخه خواندنی است که مانند سابق پایبند انتخابات آزاد و در قید و بند شورای تجزیه طلبان نبوده اند.

هرچند این برداشت دل خوش کننده نمیتواند جدی تلقی شود زیرا مواردی بوده است که اعلیحضرت بایاناتی به موضع قانونی وهویتی خودریشان التفات پیدا کرده بودند ولی بهر علت با واکنشهایی مواجه وبه سرخط قبلی خود عقب نشینی فرموده اند (از جمله مصاحبه فوکس آنلاین)

(گرفته شده از قسمت اول تحریر نقد مصاحبه آسوشیتد پرس)

نگرانی موجه

همانطور که ملاحظه میفرمائید نگرانی قسمت اول تحریر از واکنش کسانی که ماموریت دارند اعلیحضرت را همچنان در نقطه صفر و پیروانشان را در بیابان سردرگمی نگهدارند (طرح هنری پرشت) کاملا بجا بود وسگهای نازی آباد که همواره چهار چشمی مراقب طعمه خود هستند مجال یک نفس کشیدن هم به اعلیحضرت ویا نوشیدن یک قطره آب خنک به طرفداران تداوم سلطنت ندادند و بفاصله کمتر از ۴ روز با صدور بیانیه ای اثرات مثبت و امیدوارکننده مصاحبه آسوشیتد پرس (آنطور که گفته شده مورد استقبال بسیاری از خبرگزاری های خارجی قرار گرفته) را برباد دادند.

درسایت <سرزمین شاهان> جوانی بنام آقای مهدی میم که اولین بار بود با برنامه ایشان اتفاقی آشنا شدم دیدم که گفت <من واقعا نا امید از مبارزه شده بودم ولی مصاحبه شاهزاده با آسوشیتد پرس مرا دوباره

امید وار زنده کرد و آنقدر تحت تاثیربیانات اعلیحضرت در مصاحبه مزبور قرارگرفت که اینطور برداشت کرد که اعلیحضرت در آن مصاحبه جانبداری خودشان را ازپادشاهی پارلمانی اعلام فرموده اند (درمصاحبه مزبور چنین مطلبی نبوده است).

بیانیه که گویا به صورت پالتاک بوده با استفاده ازشعار <هستیم برآن عهد که بستیم> و علامت شورا و بعنوان رئیس شورای تجزیه طلبان نشان داد که تصور فاصله فکری اعلیحضرت از آن شورا و حفظ استقلال سیاسی و انتخاب راه حق در تکلیف ایشان تصویری باطل بوده است و با استفاده ازشعار مزبور و اجرای این برنامه، ترزل های افکاری که نسبت به موضع سیاسی اعلیحضرت بوجود آمده را اصلاح کرده و بطور ضمنی خط بطلان برمفاهیم با ارزش مصاحبه آسوشیتد پرس بکشند، و به هواداران تداوم سلطنت گفته باشند <کورخوانده اید>.

صدای انقلاب شما را شنیدم

تُن صدای اعلیحضرت درقرانت بیانیه مورد بحث اصلا با تن صدای همیشگی ایشان که برایم آشنائی روحی وجدی دارد کاملا تفاوت داشت؛ در حدی که درابتدای شنیدن آن نسبت به آن کاملا احساس غریبی داشتم در پایان وحتی قبل ازبه پایان رسیدن بیانات اعلیحضرت یاد آن نطق (صدای انقلاب شما را شنیدم) شاهنشاه افتادم که برخلاف میل و اراده ایشان بهر صورتی بود، بیان ایشان کارخود را کرد.

علامت مشخصه تلقینی و اجباری بیانیه مورد بحث همین است که محال است انسان درحالت آزادی و طبیعی ظرف کمتر از ۴ روز این چنین دگرگونی معنایی وحتی عبارتی در اظهاراتش بوجود بیاید.

چندمین بار

سابقه و اسناد سیاسی مبارزه ما نشان میدهد که این چندمین بار است که هرگاه اعلیحضرت در رابطه با تمایلات سیاسی واقعی خودشان بیان مطلبی کرده اند، بدون واکنش در رد و محکومیت آن بیانات نبوده است، و این بدان معناست که سیاست تحمیل تحریم فعالیت سیاسی در راستای حفظ تداوم سلطنت کاملا هنوز هم براعلیحضرت مسلط است و مامورین بیگانه در حفظ و حراست از آن بشدت بیدار و هشیارند.

مواردی از بیانیه مزبور

۱- هستیم برآن عهد که بستیم

**** این شعار، ظاهرش شیرین و باطن زهرمار. ظاهرش تانید و استواری عهدی است که اعلیحضرت درنهم آبان سال ۵۹ به پشتوانه سوگند خود، با تاریخ و ملت ایران برقرار ساختند ولی بیانیه مورد بحث عهد مورد بیان اعلیحضرت را متوجه همان قطعهنامه کذائی شورای تجزیه طلبان میدانند و روی آن با توضیحاتی که داده اند نه تنها به ابعاد وفاداری به قطعهنامه شورای تجزیه طلبان تاکید گذارده اند بلکه برای اولین بار است که پس از مدت ها از قطعهنامه شورا بنام منشور یاد فرموده اند.**

****** کسیکه بنام رئیس شورا بیانیه ای میدهد معلوم است که به آن شورا وفادار است و دیگر نیازی به ساختن شعار بالا نیست؛ زیرا <مستتر در حکم است> یعنی اگر وفادار نبود که رئیس شورا نبود. ساخت این شعار بی سابقه دقیقا برای محکم کاری پیوند وفاداری اعلیحضرت با شورای تجزیه طلبان و نیز واکنش زننده به برداشت های سلطنت طلبان بوده است، ببخشید یعنی همان <بیلاخ>.

قطعه نامه، نه منشور

****** یادمان نرفته است که شوراچی ها اوایل سعی کردند که قطعه نامه را بجای منشور جا بزنند ولی اعلیحضرت اولین کسی بودند که بجای واژه منشور از واژه قطعه نامه استفاده فرمودند و واژه قطعه نامه شد. شناسنامه شورای تجزیه طلبان - تفاوت قطعه نامه و منشور کاملا معلوم است-. در تحریرات سابقه مشروحا به آن اشاره شده است و بعد از آن بود که واژه شورا به کنار گذاشته شد.

۲- توصیه ها

میدانید که یکی از اعتراضات تحریرات، بی اعتنائی شورای تجزیه طلبان به اهانت ها و اتهامات نادرست و بسیار ردیلانه گروهی به اعلیحضرت است:

بیانیه ای که بقرانت اعلیحضرت رسانده شده است پاسخ این بی رگی و بی غیرتی شورای تجزیه طلبان در عبارت زیر داده شده <نگران تخریب کار من و دیگران نباشید و به آنها توجه نکنید و صفوف خود را محکم کنید>.

توصیه ای که سیاق اخلاق شاهنشاه آریامهر هم همین بود و در کتاب پاسخ به تاریخ زیان این سیاست که اصلا با اخلاق و خلق و خوی و فرهنگ ایرانیان همراه نیست از مد نظر شاهنشاه بدور نمانده است.

دوم اینکه مقدسات، که مورد احترام مردم است، یک اصل نهادینه و طبیعی است و از حقوق موضوعه نیست که شخص بتواند آنها را از خود ساقط کند و یا دیگران را از رعایت و حمایت از آن منع کند، حق اعلیحضرت در همین حد است که خودشان اعتنائی به آن اتهامات نفرمایند ولی پاسدارای از حق و یا احترامات و تقدسات ملی، حق عموم است و اسقاط کردنی نیست.

اینکه کسانی به نماد ملی، نماد هویت تاریخی، مظهر استقلال و تمامیت ارضی و امید ملت ایران که مورد تانید خودشان هم هست، آنچنان اهانت ها و فحاشی های مستمر بنمایند و مردم ساکت بمانند، نامش هیچ چیزی جز بی غیرتی ملی نیست، اهانت و زشت گوئی به نماد ملی یک ملت اهانت و تحقیر و فحاشی به آن ملت است؛ غیرت ملی یعنی همین که انسان از ملتش و نماد آن و هرچه بدان متعلق است دفاع کند. این خیلی معنا دار است که انسان شخصی را جناب و نماد ملی و فرهنگی ملتی و در مقام تصدی سلطنت و ولیعهد بداند و بعد به فحش و فضاحت و اتهامات و حشتناک بکشد؛ آخر هر چیزی حدی دارد و کسی و یا کسانی باید اشخاص را متوجه عبور از خط انسانیت بنمایند.

واکنش نشان دادن، به معنای ابراز خشونت و یا به دادگاه رفتن نیست، محکوم کردن عملی از ناحیه گروهی نشانی از رشد و غیرت و تعصب ملی و اعتقاد سیاسی و عنایت جامعه به اخلاق است.

میتوان با نارضایتی تمام بگویم؛ این توصیه در بیانیه همان است که میگویند: <خر وامانده منتظر هش است> و یکی از انگیزه های مهم تدارک این بیانیه همین بوده است که شورای تجزیه طلبان با اتکای به همین بیانات اعلیحضرت کلاه بی غیرتی خود را قدری پائین بکشد.

توصیه دوم – تاکید بر شورای تجزیه طلبان

توصیه دوم که عقیده دارم بیانیه حاضر تنها برای به جریان افتادن این توصیه بوده این است که در بیانیه آمده است.

<اگر باورمند به خواسته هائیکه در منشور این شورا هستید، محکم بروید جلو هیچ بیمی نداشته باشید که کسانی میتوانند مانعی بشوند من همچنان پشتیبان این برنامه هستم>.

♣ یعنی آنچه در مصاحبه آسوشیتد پرس گفته شده و مفهوم آن با قطعنامه شورای تجزیه طلبان منافات و یا ایجاد گفتگو میکند مرخص است و به سیاق ناسخ و منسوخ، منسوخه است.

♣ یعنی مسئله تجزیه کشور که این روزها مسئله روز و نگران کننده ای است همچنان باور مورد احترام اعلیحضرت و باورمندان به قطعنامه شورای تجزیه طلبان است، و لذا آنجا که در مصاحبه با آسوشیتد پرس بر استقلال و تمامیت ارضی کشور در راستای کمک گرفتن از بیگانه تاکید شده با این بیانیه منسوخه است.

♣ یکی از مواردی که در مصاحبه آسوشیتد پرس بصورت قائمه اصلی بنا شده بود شرط حفظ استقلال و تمامیت ارضی در مورد اخذ کمک از بیگانگان بود که این امر با ماده ۱۱ قطعنامه منافات دارد و بیانیه با تاکید بر قطعنامه شورای تجزیه طلبان، موقعیت ماده ۱۱ را تحکیم بخشیده است.

نقد بیانیه اعلیحضرت

**** سلب اعتبار از مصاحبه آسوشیتد پرس**

اولین ضایعه محسوس در این بیانیه (گفتار)، بظاهر سلب اعتبار از بیانات اعلیحضرت در مصاحبه آسوشیتد پرس است؛ بیانیه از مراتبی برخوردار است که با مصاحبه آسوشیتد پرس هماهنگ نیست و نمیتوان آنها را در یک ردیف قرارداد. این مسئله که شاید مهم هم باشد نمیتواند در این تحریر کاملاً جاسازی بشود زیرا هنوز مصاحبه آسوشیتد پرس کاملاً نقد نشده و در جریان است؛ لذا ورود به مراتب متضاد و ناسخ و منسوخ آن با این بیانیه درست نیست و بهتر است موکول شود به نقد تمام و کامل مصاحبه آسوشیتد پرس؛ اما معذراً برای اینکه، تحریر سردرگم نماند تا آنجا که ممکن باشد به مواردی اشاره خواهد شد.

تاکید بر مبارزه بی خشونت

****** از مراتبی که در این بیانیه روی آن خیلی توجه و اصرار شده و در آن بیانیه تحت عنوان **خیلی مهم** از آن یاد گردیده، تاکید بر عدم برخورد خشونت آمیز است که در این مورد در بیانیه آمده است:

«هرجریانی که بخواهد بخصوص درارتباط باشخص خودم استفاده کند و یک جوری بخواهد به جامعه بقبولاند (لزوم مبارزه خشونت آمیز) این بسیارمهم است که این موضوع مورد تائید و موضع من نیست.»

****** البته به شهادت اسناد مبارزه همواره اعلیحضرت خواستارمبارزه مسالمت آمیز و بدون ازخشونت بوده اند. عقیده دارم که ایشان دقیقا میدانند که چنین مبارزه ای با موقعیت جمهوری اسلامی متناقض است کما اینکه در سابق فرموده اند: «البته مبارزه بدون خشونت نمیشود، ولی بگذارید اول آنها شروع کنند» که همان موقع در تحریری عرض شد بنظر اعلیحضرت حاکمان غاصب ایران تاکنون خشونت را شروع نکرده اند؟

علت تمکز فکر ایشان

تمركز ایشان روی این فکر باطله که ریشه ای تقریبا برابر عمر مبارزه دارد به مناسبت نگرانی ها از اتهامات جنایات علیه بشریت است که معمولا در انقلابات و مبارزات سیاسی ممکن است پیش آید و اقدامات خشونت بار و انتقامی ازسوی مبارزین جاری گردد که درحد جنایات علیه بشریت تلقی شود و در این مورد اتهامات ناشیه از جنایات علیه بشریت بقاعده حقوق بین الملل متوجه رهبر عملیات میشود. تنها اعلیحضرت نیستند کسانی هم که مدعی رهبری مبارزه هستند به این موضوع حساس توجه دارند. حتی یادم هست که در مصاحبه کیهان آنلاین با آقای سعید جباری؛ از سران شورای تجزیه طلبان (تحریر دوم اکتبر ۲۰۱۶) ایشان هم روی مسئله مزبور توقف زیادی کرد.

****** نخست اینکه اینگونه پیش گیری ها همواره یکطرفه است و نمیشود باورکرد همینکه کسی قبل از وقوع عملی، اکراه خود را نسبت به آن عمل اعلام کند، برای برانست از آن عمل کافی خواهد بود. نمونه های بسیاری در دست است؛ کشورهای کنوانسیون های بین المللی درباره مسائل جنگی - حقوق بشر- اسرا و استفاده از سلاح های شمیایی را امضا کرده اند یعنی اکراه و مخالفت خود را بصورت بین المللی و قانونی اعلام داشته اند معهدا می بینیم که در شمار کشورهای **متخلف** قرار گرفته اند (سوریه). جمهوری اسلامی کنوانسیون های حقوق بشری را امضا کرده است ولی معهدا **متخلف** بوده تا آنجا که خامنه ای مورد تعقیب اعلیحضرت در سازمان ملل قرار گرفت.

****** اعلیحضرت با عنوان ریاست شورا و یا یک فرد عادی بهرحال مصونیت مورد نظر نمیتوانند درباره احتمالات ناشیه از مبارزه علیه جمهوری اسلامی داشته باشند.

رویدادها دست افراد نیست، تنها راه و چیزی که اعلیحضرت را مصون از تعرضات احتمالی مینماید قرار گرفتن در موضع حقوقی است که متمم قانون اساسی برای ایشان مقرر ساخته است که فرماندهان مبارزه را تعیین میکنند و در حکم آنها خودداری از اقدامات مخالف بشریت و یا قوانین و کنوانسیون های بین المللی را تصریح مینمایند.

شمول ناحق

در بیانات اعلیحضرت بشرح پیش ملاحظه، نه تنها خودشان را از فعالیت های خشونت آمیز مبرا ساخته اند بلکه این محدودیت ناحق رابه همه جریانات مبارزه علیه جمهوری اسلامی هم شمول داده اند. این

توصیه و یا ایجاد محرومیت برای سازمانهای مبارزاتی که حاضرند با قبول مصائب مبارزه و حتی اتهامات، کارگشای مبارزه و از اسباب پیروزی باشند بکلی ناروا و نادرست است.

اعلیحضرت خودشان در همین بیانه بطور ضمنی قبول فرموده اند که > این فکر که رژیم اصلاح شود و رژیم بدست خودش اصلاح شود و بشکل معجزه این کارها صورت گیرد ممکن نیست و اینها دارند ایران را منهدم میکنند < بعد هم اشاراتی به اوضاع آب ایران میفرمایند.

خوب با این آگاهی درستی که اعلیحضرت از موقعیت جمهوری اسلامی دارند و سی و چند سال است که انتظار کنار کشیدن آنها را میکشند چرا اقدامات متناسب را که برخی از سازمان های سلطنت طلب دنبال میکنند مورد نفی اعلیحضرت در این بیانه قرار گرفته است؟، این تحریر نمیگوید که سازمانهایی هستند که مراتب یک مبارزه اساسی و جدی را علیه جمهوری اسلامی تدارک میبینند ولی لااقل بفکر ذخیره و زنده نگهداشتن روحیه مبارزه اساسی و عملی در مبارزه با جمهوری اسلامی هستند.

یک سگی که یک قطعه استخوانی را بدندان گرفته اگر بخواهید آنرا از او بگیری محال است که پای شما را نگیرد، چطور میتوان یک کشور را با همه منابع ثروت که در حیطه اقتدار غارت آخوند هاست بدون اقدامات موثر برای قطع قدرت آنها به این مهم نائل آمد.

اعلیحضرت هیچگاه به سازمانهایی که قصد براندازی جمهوری اسلامی را داشته اند نه تنها کمک بلکه عنایتی هم نداشته اند آیا این کافی نیست که اکنون آنها حتی از فعالیت در راه براندازی جمهوری اسلامی که بالطبع نمیتواند از اقدامات خشونت آمیز برکنار باشد منع شده اند. در مبارزه سیاسی که با قصد براندازی توأم است نمیتوان خشونت را محکوم کرد ولی میتوان حالت انتقامی و یا سببیت را محکوم کرد و خشونت باهدف پایان دادن به خشونت و رعایت نصفت به اجرا درآید.

این بیانات اعلیحضرت درکنار آن بیان سابقه که **هر که حرف مرا گوش نمیکند بامن نیست**، وضعیت سازمان های سلطنت طلبی که در راستای براندازی جمهوری اسلامی تلاش دارند را زیر سوال نزدیک به انهدام میبرد.

اعلیحضرت بعنوان یک فرد ایرانی ریاست شورائی را دارند که مشروعیت آن شورا به اعتبار ماده ۱۱ زیر سوال است؛ حد ایشان همان است که در شرح وظائف رئیس شورا آمده است و این حد و محدودیت آن اجازه نمیدهد که استراتژی سازمانهایی که باهدف حفظ تداوم سلطنت سازماندهی و فعالیت میکنند مقید به توصیه های ایشان باشد.

جهات افتراق

مشخص ترین جهات افتراق بین بیانات اعلیحضرت در مصاحبه آسوشیتد پرس با بیانه مورد بحث تکیه و ایستادگی کامل اعلیحضرت در مصاحبه آسوشیتد پرس، روی تغییرات اساسی در جمهوری اسلامی است که طریق دسترسی به آن به فراخوان انقلاب گره خورده است؛ و استراتژی آن، اعتصابات عمومی کارگران معرفی گردیده؛ بیانات اعلیحضرت در مصاحبه آسوشیتد پرس آنقدر بر راه مزبور اتکا داشته که ضمن انحصاری دانستن آن، شرائط آنرا هم مقرر کرده اند که در قسمت اول تحریرات نقد مصاحبه به

شرح آن پرداخته شده که یکی از آن شرایط خودداری کشورهای غربی از تهدید جمهوری اسلامی به اقدامات نظامی است.

ولی در بیانیه اخیر، به همه موضوعاتی که در مصاحبه آسوشیتد پرس منظور و زیربنای مصاحبه محسوب میشد، قلم رفع و فسخ و بطلان کشیده شده است، و از جمله لزوم اعتصابات عمومی و بجای آن، این بارزه عرضه شده که «وضع جهان بخصوص دولت فعلی آمریکا نسبت به دمشق و تهران روشن نیست و باید منتظر روشن شدن مسائل جهانی شد، حو اکتون باید با ترتیب دادن تیم های مجهز و استفاده از مطلعین و کارشناسان به جهانیان نشان دهیم که اداره ایران بعد از سقوط جمهوری بوسیله ما ممکن است» (تمام نقل قولهای در این تحریر به مضمون است)

تعلیق مبارزه اعلیحضرت به تصمیم آمریکای آقای ترامپ بی سابقه نیست در پایان جنگ عراق و ایران اعلیحضرت در مصاحبه ای فرمودند:

«اگرما در پیکار خود علیه جمهوری اسلامی آن گونه که ضرورت داشت گام برنداشتیم به آن علت بود که تاکنون میهن ما در جنگ بایبگانه بود، اما امروز همه ما میتوانیم با خیال راحت به ایفای رسالت ملی و تاریخی خود پردازیم» (سال ۶۷).

از پایان جنگ عراق و ایران حدود ۲۹ سال میگذرد مبارزه ما همانجا بود که از قبل از جنگ عراق بود. این تحریر قاطعانه میگوید «آنچه مانع بود و اکنون هم هست سیاست تحمیل تحریم مبارزه اعلیحضرت برای نجات کشور است».

سابقه تکلیف

هنگامیکه به دستور اعلیحضرت در بیانیه ایشان بشرح (خط تاکید) رسیدیم یادم آمد که این موضوع سابقه دارد، توانستم به سابقه آن برسم.

در سال ۱۳۶۳ بود که اعلیحضرت در پیام خودشان به ملت ایران فرمودند:

«ما هم سرمایه داریم، هم نیروی کار و هم ذخیره کاردانی هیچکس نباید قدرت ما را دست کم بگیرد. ماچه در مرحله مبارزه و چه پس از سرنگونی جمهوری اسلامی از بالاترین توانایی ها برخورداریم»



«ماقوای خود را بر روی این اصل متمرکز ساخته ایم تا به جهانیان تفهیم کنیم که توانایی آن را داریم که اوضاع را در ایران عوض کنیم و میخواستیم هموطنانم بدانند که ماموفق خواهیم شد»

مصاحبه بابی بی سی آذرماه سال ۶۳

برداشت

ملاحظه میفرمائید که ۳۲ سال قبل اعلیحضرت به جهانیان و ملت ایران اطمینان دادند که از نیروهای کارآمد برای براندازی جمهوری اسلامی و اداره ایران پس از جمهوری اسلامی کاملاً برخورداریم و هم سرمایه کافی داریم و هم نیروی انسانی که اوضاع ایران را عوض کنیم ولی مفهوم بیانیه منتسب به اعلیحضرت این است که ما امروز هیچ چیزی نداریم و باید از صفر شروع کنیم.

قابل قبول نیست که اعلیحضرت در آن حد فراموشکار باشند که به خارجیان و ملت ایران در گذشته چه قول و اطمینان هائی داده اند و محال است بیانیه ای بدهند که در آن اینچنین احساس عجز و ناتوانی و شروع از صفر رابه اطلاع جهانیان و ملت ایران برسانند.

در ۳۲ سال قبل هنوز طرح هنری پرشت در جریان اجرا قرار نگرفته بود و آنچه که اعلیحضرت از باب موقعیت مبارزه در سال ۶۳ فرموده اند عین واقعیت است ولی با ورود اجرای طرح هنری پرشت، سیر مبارزه اعلیحضرت متوقف گردید و تابه امروز هم ادامه دارد.

ناتمام